



پلان

چای تلخ ناخدا

در سینمای ایران برخلاف هالیوود اعلام بازنشستگی رسم نیست. اینجا به‌ندرت پیش می‌آید که کارگردانی رسماً اعلام بازنشستگی کند. با این همه میان کارگردان‌های سینمای ایران چهره‌های زیادی را می‌توان نام برد که عملاً بازنشسته شده‌اند.

جز فیلمسازان نسل اولی، تعداد قابل توجهی از کارگردان‌های دهه ۶۰ ناچار به کناره‌گیری از سینما شده‌اند؛ کارگردان‌هایی که شاید خیلی‌سین و سال بالایی نداشته باشند ولی عملاً از سینما کنار گذاشته شده‌اند، مثلاً مجید جوانمرد، اکشن‌ساز موفق دهه ۶۰ که در ۱۲ دهه اخیر ایام به کامش نبوده یا محمدعلی سجادی که گرچه همچنان به فعالیت هنری می‌پردازد ولی از سینمای حرفه‌ای فاصله گرفته است. میان بازنشستگان سینما شاید بتوان گفت که ناصر تقوایی درخشان‌ترین نامی است که به ذهن می‌رسد.

نسلی از سینمای ایران که اواخر دهه ۴۰ یا اوایل دهه ۵۰ وارد سینمای حرفه‌ای شدند، اغلب یا از دنیا رفته‌اند یا مهاجرت کرده‌اند. از موج نوبی‌های سینمای ایران، مسعود کیمیایی، بهمن فرمان‌آرا و ناصر تقوایی در ایران حضور دارند.

کیمیایی و فرمان‌آرا همچنان فعالیت هنری دارند ولی تقوایی سال‌هاست که عملاً بازنشسته شده. کارگردان ۸۲ساله سینمای ایران که ۲ فیلم در دهه ۶۰ ساخت و کل دهه ۷۰ موفق به نخستین روی صندلی کارگردانی نشد، آخرین‌بار فیلم «کاغذ بی‌خط» را ابتدای دهه ۸۰ روی پرده داشت و پس از ۲ فیلم ناکام و ناتمام «زنگی و رومی» و «چای تلخ» از سینما فاصله گرفت. این پرسش که «چرا تقوایی فیلم نمی‌سازد؟» از سؤال‌های تکرار شونده‌ای بود که مدتی است دیگر خیلی پرسیده نمی‌شود. تقوایی در سال‌های اخیر شرايط جسمی مناسبی برای کار در سینما نداشته است. البته داستان کار نکردن تقوایی در سینما مربوط به سال‌های دور است. سال‌های خانه‌نشینی تقوایی که محصول مشترک مدیران دوره‌های سینمایی، تهیه‌کنندگان و سواست استاد بود. سواست هنرمندانه‌ای که «ناخدا خورشید» را به نگین درخشان سینمای پس از انقلاب تبدیل کرد به‌مرور چنان در وجود تقوایی شدت یافت که جلوی فیلمسازیش را گرفت. تازه اینها مربوط به دهه پیش است و تقوایی سال‌های اخیر احتمالاً به تنها چیزی دیگر فکر کرده ساختن یک فیلم دیگر بوده است.



صحنه

چارلی چاپلین

روی صحنه تئاتر شهر

از امروز یکشنبه ۲۱ تیر، نمایش چاپلین در سالن اصلی تئاتر شهر اجراهایش شروع می‌شود و تا ۱۴ مرداد روی صحنه خواهد بود. این نمایش را مهران رنجبر کارگردانی کرده و یک پرتره از چارلی چاپلین، بازیگر، کارگردان و اهنگساز بزرگ انگلیسی است.

این نمایش نخستین تجربه مهران رنجبر در سالن اصلی تئاتر شهر است و در خلاصه آن نوشته شده: «جهان برزخ است و چارلی چاپلین به‌عنوان شخصی که در سینمای صامت در قامت دفاع از مردم قرار گرفته، مقابل زورگویی‌های آدولف هیتلر می‌ایستد و تنها راه نجات بشریت را مردم‌سالاری می‌داند.»

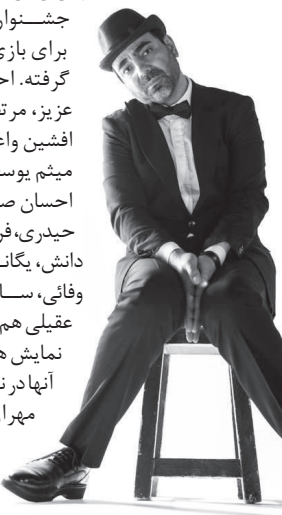
نگاه کارگردان

گرچه مهران رنجبر نمایش‌هایی درباره شخصیت‌های مهم کار می‌کند، اما این نمایش‌ها هیچ‌کدام نگاه زندگی‌نامه‌ای نداشته و تکنگاری بوده‌اند. رنجبر درباره ویژگی‌های شخصیت‌هایی هم که سراغ آنها می‌رود، توضیح داده: این شخصیت‌ها قهرمان هستند، ما خیلی وقت است که در جهان قهرمان نداریم. من پرتره مارادونا را کار کرده‌ام. او با تمام حواشی‌ای که داشت، جلوی لیبرالسم آمریکا ایستاد. من آدم ضدلیبرالیسم هستم. خیلی‌ها این را نمی‌گویند. اما من راحت می‌گویم که ضد جریان سرمایه‌داری هستم. از این سرمایه‌داری لیبرال‌گسخت‌های که در جهان و همینطور در ایران جلو می‌رود، بدم می‌آید. در تئاتر داریم همیشه از آن صحبت کردیم.

بازیگران چاپلین چه کسانی هستند؟

نقش چاپلین در این نمایش را بهزاد خلیج بازی می‌کند. خلیج پیش از این در سریال «پوست شیر» و «حیثیت گمشده» برای شبکه نمایش خانگی و «آقای قاضی» برای تلویزیون بازی کرده و در فیلم تمساح خونی جواد عزتی هم حضور داشته است. ضمن اینکه سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد

جشنواره فیلم فجر را هم برای بازی در فیلم مجنون گرفته. احمد موحدنیا، بیتا عزیز، مرتضی درویش‌زاده، افشین واعظی، آبان زارعی، میثم یوسفی، سونیا سرک، احسان صاحب‌دادی، نریمان حیدری، فرید تاجیک، محدثه دانش، یگانه رادبخش، فائزه وفایی، سسازاز جاجسی و امیر عقیلی هم دیگر بازیگران این نمایش هستند که بیشتر آنها در نمایش‌های پیشین مهران رنجبر حضور داشته‌اند.



بهزاد خلیج در نقش چاپلین

پل شریدر رئیس هیأت داوران جشنواره سارایوو شد

پل شریدر، کارگردان و فیلمنامه‌نویس آمریکایی رئیس هیأت داوران سی‌امین دوره جشنواره فیلم سارایوو شد. نومی رابینس بازیگر و تهیه‌کننده سوئدی، یوهو کوسمان کارگردان و نویسنده فنلاندی، اوتا گونچاک کارگردان، نویسنده و تدوینگر متولد سارایوو و سیاستمدار و بازیگر اسلوانیایی اعضای گروه داوران شریدر را تشکیل می‌دهند. امهر



پیشکسوتان نیازمند حمایت واقعی هستند

کیانوش کرامی، بازیگر؛ پیشکسوتان نیازمند حمایت‌های واقعی هستند. اینها بودند که سینما و تلویزیون ما را شکل دادند و باید مورد توجه قرار بگیرند. کارهایی که در دولت سیزدهم پایه‌گذاری شد باید ادامه یابد. هنرمند و پیشکسوت متعلق به مردم است، همه دولت‌ها باید به آنها کمک کنند. / ایرنا



کوتاه‌تر از گزارش

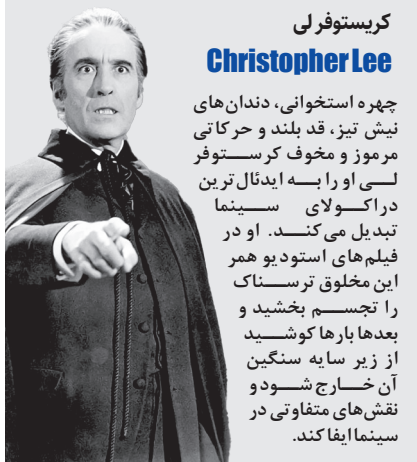
عاشق خون خوار

۵دراکولای برتر تاریخ سینما

«دراکولا» داستانی است که سینماگران بارها به سراغش رفته‌اند و از فیلم‌های ترسناک عامه‌پسند تا فیلم‌های روشنفکرانه به تصویر کردن این هیولای خون‌خوار علاقه نشان داده‌اند.

لوک بسون، کارگردان فیلم‌هایی همچون «لئون»، «عصر پنجم» و «لوسی» تازه‌ترین کارگردانی است که قصد ارائه خوانشی رمانتیک از این داستان کلاسیک را دارد. این فیلم روی رابطه شاهزاده ولادیمیر دراکولا و همسرش متمرکز است و به گفته بسون، رویکردی کاملاً رمانتیک به داستان دارد. داستان عاشقانه‌ای درباره مردی که ۴۰۰ سال برای بازگشت همسرش به زندگی انتظار می‌کشد.

به مناسبت ساخت این فیلم ۵دراکولای مهم تاریخ را مرور کرده‌ایم.



کریستوفر لی Christopher Lee

چهره استخوانی، دندان‌های نیش تیز، قد بلند و حرکاتی نرم و مخوف کریستوفر لی او را نه ایدئال‌ترین دراکولای سینما تبدیل می‌کند. او در فیلم‌های استودیو همبر این مخلوق ترسناک را تجسم بخشید و بعدها بارها کوشید آن زیر سایه شبنگین آن خارج شود و نقش‌های متفاوتی در سینما ایفا کند.

مکس شرک Max Schreck

یکی از مخوف‌ترین مخلوقات سینمای وحشت مدیون بازیگر آلمانی مکس شرک است در فیلم «نوسفراتو: سمفونی وحشت» به کارگردانی اف.ام. مورناو. مورناو تفسیر منحصر به فرد خودش را از دراکولا داشت. از آنجا که فیلم مورناو اقتباسی بی‌اجازه و غیررسمی از رمان «دراکولا» نوشته برام استوکر بود، برخی جزئیات از جمله نام شخصیت اصلی به کنت اولوک تغییر کرد. چنگال‌های بلند و تیز شرک او آن که طاس و چشم‌های بی‌فروغش در تاریخ سینما شد.



بلا لگوکوسی

Bela Lugosi

لوگوسی در نقش دراکولا نه گرم عجیب و غریبی دارد و نه چنگال و دندان تیز. بیشتر از هر چیز رفتار و ظاهر خودش است که به هیبت دراکولا می‌خورد. بازی اغراق‌شده، کمی نور کم معمول در چشمانش منعکس شده، لباس رسمی و تیره و حالات تهاجمی‌اش او را به یکی از به‌یادماندنی‌ترین دراکولاهای تاریخ بدل کرده است.

گری الدمن Gary Oldman

اقبتاس تحسین برانگیز فرانسسیس فورد کاپولا یکی از بهترین دراکولاهای تاریخ سینما را به خود دید. گری الدمن، الدمن که به گرم‌خور بودن صورتش مشهور است و در طول دوران برپار حرفه‌ای‌اش بارها گرم‌های گوناگونی روی صورتش اجرا شده، در همین فیلم ۳ گرم متفاوت در نقش دراکولا دارد. دراکولای الدمن هر اسنک و چندانگیز است و واقعا تن تماشاگر از دیدنش مورمور می‌شود.

نیکلاس کیج Nicolas Cage

کیج همین اواخر در فیلم «رنفلد» نقش دراکولا را ایفا کرد که برایش ستایش‌های بسیاری به همراه آورد. ویژگی مهم دراکولای کیج کمیک بودن آن است که برخلاف اغلب دراکولاهای تاریخ سینماست. نقش آفرینی کیج در نقش دراکولا آن قدر مورد توجه قرار گرفت که صحبت‌هایی درباره ساخت فیلم مستقلی مطرح شد.

من شمع عزای تورو خاموش نکردم

نگاهی به انتشار قطعه «تکیه کوچک» محسن چاوشی



گزارش

فهیمة پناه آذر روزنامه‌نگار

محرم سال گذشته بود که محسن چاوشی قطعه «آواز خون» را منتشر کرد. امسال «تکیه کوچک»، قطعه جدید این خواننده بر طرفدار باب، منتشر و با پخش شدن در فضای مجازی با استقبال زیاد روبه‌رو شده است.

محسن چاوشی در کنار خوانندگی به انجام کارهای خیریه هم معروف است؛ خواننده‌ای که در خواندن و انتشار قطعات موسیقی مذهبی دستی بر آتش دارد و هرازگاهی به مناسبت‌های مختلف با تم مذهبی، قطعه‌ای را منتشر می‌کند که با استقبال مواجه می‌شود.

فارغ از جریان فعال و مستمر تولید محتوای عاشورایی در هیئت‌های مذهبی که با محوریت مباحث سرشناس شکل می‌گیرد و در آن گاهایی برخی محتواها به بیراهه می‌رود و گاهی در همین هیئت‌ها با سیاست روز آمیخته می‌شود، محسن چاوشی یکی از شناخته‌شده‌ترین هنرمندانی است که همیشه به وعده‌های نانوخته خود لباس اجرا می‌پوشاند و مخاطبانش را غافلگیر می‌کند.

فارغ از جریان فعال و مستمر تولید محتوای عاشورایی در هیئت‌های مذهبی که با محوریت مباحث سرشناس شکل می‌گیرد و در آن گاهایی برخی محتواها به بیراهه می‌رود و گاهی در همین هیئت‌ها با سیاست روز آمیخته می‌شود، محسن چاوشی یکی از شناخته‌شده‌ترین هنرمندانی است که همیشه به وعده‌های نانوخته خود لباس اجرا می‌پوشاند و مخاطبانش را غافلگیر می‌کند.

این خواننده پاپ که در انتخاب شعرها و ترانه‌هایش وسواس زیادی دارد، این بار با قطعه «تکیه کوچک» توانست رکورد بزند. قطعه او در ۲۲ ساعت اول بیش از ۱۰۰ هزار بازدید در یکی از پلتفرم‌ها داشت.

چاوشی ۴۴ساله این قطعه جدید را به ساحت حضرت عباس (ع) تقدیم کرده است.

ترانه‌ای که چاوشی روی آن دست گذاشته و با وسواس همیشگی‌اش



محسن چاوشی

۱۰

خیلی‌ها منتظرند که چاوشی کنسرت برگزار کند. منتقدانش می‌گویند او توانایی برگزاری کنسرت را ندارد؛ اما شاید چاوشی سعی می‌کند از نگاه مردم دور بماند و در استودیوی شخصی‌اش می‌حاشیه وی بی‌سروصدای تولید کند.

خواننده، تاریخ مصرف ندارد و می‌تواند یادآور خیلی چیزها باشد؛ به‌خصوص آنجا که می‌گوید: دنبال تو با قد کمون اومده مادر/ بالای سرت سینه‌زنون اومده مادر/ با قد کمون اومده و روشو گرفته / پهلوی تو افتاده و پهلوشو گرفته...

این قطعه تا امروز بعد از گذشت عرو از زمان انتشارش در پلتفرم مورد نظر بیش از ۲ میلیون بار دیده شده است؛ تازه‌ترین قطعه عاشورایی‌ای که شب تاسوعا منتشر شد.

امید روزی به ترانه‌سرا و رضا فوادیان تنظیم‌کننده این اثر بوده‌اند و مهدی کریمی میکس و مسترینگ، شهاب جعفرنژاد طراحی کاور، حامد تلخ‌ای تایپر گرافی و محسن چاوشی آهنگسازی و خوانندگی این قطعه را بر عهده داشته‌اند.

پایانی دلچسب برای سریالی تلخ

قسمت پایانی «در انتهای شب» مورد توجه مخاطبان سریال قرار گرفت



گزارش ۲

سریال «در انتهای شب» در حالی به پایان رسید که در طول دوران پخش بیشترین بازخورد رسانه‌ای را میان مجموعه‌های شبکه نمایش خانگی داشت. نخستین تجربه سریال سازی ایدا پناهنده، کارگردان «تی‌تی» در مجموع مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. براساس آنچه در این مدت در رسانه‌ها منتشر شده می‌توان گفت این مجموعه تحسین منتقدان و روزنامه‌نگاران را هم در پی داشته است. نکته جالب توجه این است که با وجود تلخ بودن حال و هوای این سریال، پناهنده پایانی خوش برای فرجام‌نهایی کاراکترهای اصلی‌اش در نظر گرفته بود و این پایان خوش برای مجموعه‌ای تلخ رضایت‌دنبال‌کنندگان سریال را به همراه داشت.

سریال سینمایی

سریال «در انتهای شب» بیشتر از اینکه ساختاری نزدیک به آنچه معمولاً در شبکه نمایش خانگی شاهدش هستیم داشته باشد با دکوپاژ سینمایی ساخته شده است. سابقه ایدا پناهنده به‌عنوان کارگردان سینما در سریال به لحاظ میزانسن و دکوپاژ حال و هوایی سینمایی به این مجموعه بخشیده است، به طوری که مخاطب احساس می‌کند در حال تماشای فیلمی سینمایی است.

از پارسا پیروزفر تا هدی زین‌العابدین

یکی از ویژگی‌های سریال، انتخاب درست بازیگران است. زوج پارسا پیروزفر و هدی زین‌العابدین در نقش زن و شوهری که در زندگی مشترک دچار چالش شده‌اند با اجرای درک‌شده‌شان سهم قابل توجهی در موفقیت سریال ایفا کرده است. آنها به درستی موفق شدند وضعیت و موقعیت زن و شوهری بالغ اما با نگاه‌های متفاوت به زندگی را به تصویر بکشند. هرودی آنها در ارائه جزئیات در ویژگی‌های شخصیتی موفق ظاهر شدند و تردیدها و ترس‌ها و احساسات‌شان را به ظریف‌ترین شکل مقابل دید مخاطبان گذاشتند.

زین‌العابدین در جایگاه زنی عاشق و احساساتی، بارها و بارها موفق شد بغض را پشت ظاهر ی سرد و جدی از پنهان پنهان کند اما در عین حال عمق احساساتش را پیش روی مخاطبانش بگذارد. پیروزفر هم بارها با نقاشی کنسیدن و رام‌فردن مداوم و تردید در بیان جملات، موفق شد آنچه را در درونش جریان دارد، عیان کند.

آنچه مخاطبان درباره پایان سریال «در انتهای شب» گفتند

شکست‌هایش و روابط عاطفی‌اش پرداخت. ایده‌های خوبی در روایت داستان داشت و با استفاده از ایده‌های اصلی میلان گوندرکا که بخشی از کتاب بار هستی‌اش هم در سریال خوانده شد، به مسئله انتخاب و تکرار مدام اتفاقات در زندگی پرداخت. بینندگان پر شمار آن هم در طول سریال نظر نشان را در پلتفرم پخش کننده سریال و همینطور در توئیتر و اینستاگرام مطرح کردند. از اظهار علاقه به بعضی شخصیت‌ها یا نقد منفی درباره بعضی دیگر و همینطور درباره داستان. شاید آنچه باعث شد نظرات درباره سریال تقریباً در تمام موارد مثبت باشد، داستان ساده و نزدیک به تجربه تماشاگر آن و همینطور

سریال در انتهای شب که آخرین قسمتش روز پنجشنبه منتشر شد، از سریال‌های موفق شبکه نمایش خانگی بود که توانست هم منتقدان را راضی کند و هم تماشاگران را. برخلاف بیشتر سریال‌هایی که از پلتفرم‌ها پخش می‌شوند، در انتهای شب نه عریضه‌کشی داشت، نه مخاطبش را غافلگیر می‌کرد و نه برای ادامه پیدا کردن داستان، مدام شخصیت‌هایی به داستان وارد می‌شدند. ایدا پناهنده به‌عنوان نویسنده و کارگردان سریال با چند مامور محدود و با داستانی ساده اما پرکشش به انسان مدرن، آرزوهایش

مکت



سریال در انتهای شب که آخرین قسمتش روز پنجشنبه منتشر شد، از سریال‌های موفق شبکه نمایش خانگی بود که توانست هم منتقدان را راضی کند و هم تماشاگران را. برخلاف بیشتر سریال‌هایی که از پلتفرم‌ها پخش می‌شوند، در انتهای شب نه عریضه‌کشی داشت، نه مخاطبش را غافلگیر می‌کرد و نه برای ادامه پیدا کردن داستان، مدام شخصیت‌هایی به داستان وارد می‌شدند. ایدا پناهنده به‌عنوان نویسنده و کارگردان سریال با چند مامور محدود و با داستانی ساده اما پرکشش به انسان مدرن، آرزوهایش